

تک‌تیرانداز
امریکایی از
دیدگاه هنری اثر
چندان برجسته‌ای
نیست اما از منظر
پروپاگاندا قطعاً
چنین است.
اثبات اینکه چگونه
سربازان امریکایی
در ده‌ها هزار
کیلومتر دورتر از
امریکا در عراق در
حال نجات امریکا
هستند بسیار
سخت است و
ناپاورانه

«تک‌تیرانداز امریکایی» به کارگردانی کلینت ایستوود فیلمی است در ژانر بیوگرافی جنگی که داستان زندگی کریس کایل سرباز تک‌تیرانداز امریکایی را که ادعا می‌شود با ۱۶۰ شلیک موفق برترین تک‌تیرانداز امریکایی است روایت می‌کند، اما سؤال اینجاست کدام بیوگرافی و کدام جنگ؟

فیلم با صحنه‌ای از جنگ عراق شروع می‌شود جایی که کریس قهرمان داستان را در همان ابتدای کار بین یک دوراهی می‌گذارد: شلیک یا عدم شلیک به زن و بچه غیرنظامی عراقی که گمان می‌رود قصد حمله به نیروهای امریکایی را دارند. فیلم همین‌جا متوقف می‌شود و فلش بک می‌خورد به دوران کودکی کایل جایی که پدرش به او شکار یاد می‌داده. در ادامه در صحنه مهمی او از برادر کوچکتر ناتوانش در مقابل یک بچه قلدر دفاع می‌کنند و این کار بشدت مورد تأیید پدرش واقع می‌شود. «نه بره باش و نه گرگ، سگ نگهبان گله باش» این عبارت استعاره‌ای برای این اتفاق است.

در ادامه ماجرای پیوستن به ارتش از روی غیرت ملی و سپس آشنایی با همسر آینده و ازدواج او را می‌بینیم. این بخش از فیلم شخصیت کایل را بعد می‌بخشد و جهان بینی او را بیشتر به مخاطب نشان می‌دهد و مخاطب را آماده می‌کند که با تصمیم او برای شلیک به زن و کودک همراه شوند. علی‌رغم اینکه آن دو غیرنظامی واقعاً قصد پرتاب نارنجک به امریکایی‌ها را داشتند اما همان شب کایل در اردوگاه از این کار عذاب وجدان دارد چرا که اولین قتل او در جنگ قتل یک زن و بچه بوده است. این تم ناراحتی از کشتن غیرنظامیان چندین بار

